

Onomastics in Iranian Sign Language: Personal and Place Names in Iranian Deaf Community

Ardavan Guity¹
Sara Siyavoshi²

Abstract

This article explores the naming system in Iranian Sign Language (Esharani), demonstrating that names in deaf communities, particularly in the Iranian deaf community, are not merely linguistic tools but also carriers of identity, culture, and social narratives. Names can reflect life stories, social affiliations, or even cultural critiques. Drawing on their linguistic knowledge and cultural experiences, the authors analyze two main domains: personal names and place names. The first section introduces various types of sign names for individuals, which are formed based on physical features, personality traits, occupations, clothing, or the initials of spoken names. Unlike many other sign languages that have been studied, the use of fingerspelling for naming in Iranian Sign Language is limited. The second section focuses on place names or toponyms, which are often descriptive and refer to local products, cultural, historical, or geographical characteristics of each location. Like personal names, place names reflect the collective memory and cultural identity of the deaf community. Ultimately, the article emphasizes that names in Iranian Sign Language are formed independently of spoken and written languages and derive their meaning primarily within the cultural and social context of the deaf community.

Keywords: Iranian Sign Language, Deaf Studies, Deaf Culture, Esharani, Signed Toponyms, Signed names

¹ Assistant Professor in linguistics, Head of the Department of Deaf Studies at Ohlone College, Northern California, USA. ardavan.guity@gmail.com

² Ph.D. in Linguistics, Department of Sign Language and Deaf Studies, University of the Free State (UFS), South Africa. (corresponding Author).
sara.siyavoshi@gmail.com

نام‌شناسی در زبان اشاره ایرانی (اشارانی): نام‌ها (اشخاص و مکان) در جامعه ناشنوای ایرانی

اردوان گیتی
سارا سیاوشی

چکیده

در این مقاله نظام نام‌گذاری در زبان اشاره ایرانی بررسی و نشان داده می‌شود که نام‌ها در جوامع ناشنوا، به ویژه جامعه ناشنوای ایران، نه تنها ابزارهای زبانی بلکه حامل هویت، فرهنگ و روایت‌های اجتماعی‌اند. نام‌ها ممکن است نمایانگر داستان‌های زندگی، وابستگی‌های اجتماعی، یا حتی نقدهای فرهنگی باشند. نویسندگان، با تکیه بر دانش زبانی و زبان‌شناختی و همچنین تجربیات فرهنگی خود، دو حوزه اصلی را تحلیل می‌کنند: نام اشخاص و جای‌نام‌ها (نام مکان‌ها). در بخش نخست، انواع مختلف نام‌های اشاره‌ای افراد معرفی می‌شود، که بر اساس ویژگی‌های ظاهری، شخصیتی، شغلی، لباس یا حروف الفبای نام گفتاری شکل می‌گیرند. بر خلاف بسیاری از زبان‌های اشاره دیگر که در این حوزه مطالعه شده‌اند، در زبان اشاره ایرانی استفاده از الفبای دستی برای نام‌گذاری محدود است. بخش دوم، به جای‌نام‌ها در زبان اشاره ایرانی اختصاص دارد؛ این نام‌ها اغلب توصیفی هستند و به محصولات محلی، ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی یا جغرافیایی هر مکان ارجاع دارند. جای‌نام‌ها نیز همانند نام افراد، بازتابی از حافظه جمعی و هویت فرهنگی جامعه ناشنوا هستند. در نهایت، مقاله تأکید می‌کند که نام‌ها در زبان اشاره ایرانی مستقل از زبان‌های گفتاری و نوشتاری شکل می‌گیرند و بیشتر در بستر فرهنگی-اجتماعی جامعه ناشنوا معنا می‌یابند.

کلیدواژه‌ها: زبان اشاره ایرانی، فرهنگ ناشنوا، مطالعات ناشنوا، جای‌نام، جامعه ناشنوا

۱- مقدمه

نام‌شناسی^۳ شاخه‌ای از علوم انسانی است که به بررسی نام‌های خاص می‌پردازد (ترسک؛ ۲۰۰۷: ۲۱۲). نام‌های خاص در زبان، نام‌هایی هستند که یک جامعه زبانی برای نامیدن اشخاص، مکان‌ها، حیوانات، عنوان‌های تجاری و سازمان‌ها به کار می‌برد. مطالعات نام‌شناسی با رشته‌های گسترده‌تری مانند

^۱ استادیار رشته زبان‌شناسی، ناشنوا، مدیر گروه مطالعات ناشنوا در کالج اوهلون، شمال کالیفرنیا، آمریکا

ardavan.guity@gmail.com

^۲ دکترای زبان‌شناسی، شنوا، پژوهشگر پسادکتری، گروه زبان اشاره و مطالعات ناشنوا، دانشگاه فری استیت، آفریقای جنوبی (نویسنده مسئول). sara.siyavoshi@gmail.com

^۳ Onomastics

^۴ Trask, R. L.

زبان‌شناسی، مردم‌نگاری، تاریخ، فلسفه و دیگر زمینه‌ها ارتباط نزدیکی دارد. نام‌ها واژگان ویژه‌ای‌اند که برای شناسایی یک شخص، حیوان، مکان یا شیء به کار می‌روند و هرکدام حامل معنایی هستند. در بسیاری موارد، این معنا در پس‌زمینه تاریخی نام پنهان شده است، در حالی که در برخی دیگر، معنا به‌وضوح نمایان است (ردموندز؛ ۲۰۰۷: IX). از آنجا که افراد یک جامعه مدام با انسان‌ها، مکان‌ها و سازمان‌های جدید روبرو می‌شوند، شیوه‌های نام‌دهی و نام‌گذاری با الگوهایی مشخص بر اساس فرهنگ و زبان هر جامعه شکل می‌گیرد که به افراد جامعه امکان سخن گفتن از مصداق‌های نام‌ها و در واقع گفتگو درباره جهان را می‌دهد.

۲- نام‌شناسی در زبان‌های اشاره

پژوش‌ها و بررسی‌های نام‌شناسی در زبان‌های اشاره همواره بخشی از دو شاخه دانش یعنی زبان‌شناسی اشاره^۲ و مطالعات ناشنوا^۳ بوده است. دلیل این امر نظام منحصربه‌فرد نام‌گذاری از طریق ویژگی‌های بصری-حرکتی است؛ نظامی که مستقل از الگوهای مرسوم نام‌های گفتاری و نوشتاری است و همواره توجه پژوهشگران این دو حوزه را به خود جلب کرده است.

نام‌های اشاره‌ای چه نام شخص باشد چه نام یک مکان یا یک مارک تجاری، با دلایل یا ریشه‌های شکل‌گیری متفاوت به صورت یک اشاره با دست تولید می‌شوند. ممکن است نام‌گذاری بر پایه ویژگی بصری مصداق مورد نظر باشد یا یک نام اشاره‌ای بر اساس نام نوشتاری شکل گرفته باشد یا دلایل و ریشه‌های متفاوت دیگر. در جوامع ناشنویان سراسر جهان، یکی از رویه‌های رایج، نام‌گذاری افراد بر اساس ویژگی‌های فیزیکی، رفتار، شغل‌ها و روایت‌های زندگی فرد است، که با ساختارهای ساخت‌واژی زبان اشاره مربوطه نیز هماهنگ است. اختصاص دادن یک نام اشاره‌ای، هم یک پدیده زبانی است و هم فرهنگی که نشان می‌دهد ناشنویان چگونه افراد تازه‌وارد را درک می‌کنند و در جهان خود جای می‌دهند. البته مطالعه نظام نام‌گذاری و تحلیل الگوهای نام‌گذاری در زبان‌های اشاره، صرفاً به نام‌های افراد محدود نمی‌شود. کاربران زبان اشاره از روش‌های متنوعی بر اساس الگوهای واج‌شناختی یا صرفی بهره می‌برند تا نه تنها افراد بلکه مکان‌ها را نیز نام‌گذاری کنند. به طور کلی نام‌های اشاره‌ای بازتابی از این نکته‌اند که ناشنویان چگونه خود و جهان پیرامونشان را می‌بینند. نام مکان‌ها اغلب دارای بار معنایی است که به تنوع فرهنگی جوامع ناشنوا در سراسر جهان اشاره می‌کند. مثلاً نام یک کشور در زبان‌های اشاره مختلف متفاوت است که نشان‌دهنده دیدگاهی است که هر گروه از ناشنویان از روایت‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی یک کشور برداشت کرده‌اند. به طور مثال نام اشاره‌ای کشور اسپانیا در میان جامعه ناشنوی اسپانیا و نام اشاره‌ای این کشور در میان جامعه ناشنوی ایران متفاوت است. این دو نام را در شکل ۱ می‌بینید.

¹ Redmonds, G.

² Sign Language Linguistics

³ Deaf Studies



شکل ۱. سمت راست- اشاره کشور اسپانیا در زبان اشاره اسپانیایی و سمت چپ- نام این کشور در زبان اشاره ایرانی

در مقاله حاضر نظام نام‌های اشاره‌ای در دو حوزه نام اشخاص و جای‌نام‌ها در زبان اشاره ایرانی (اشارانی)، زبان جامعه ناشنوای ایران بررسی می‌شود. مثال‌ها و توصیفات مربوط به نام‌های اشاره‌ای در این مقاله بر اساس دانش زبانی مولفان^۱ و دانش جمعی جامعه ناشنواست.

۳- نام اشخاص در زبان‌های اشاره

مطالعاتی که درباره ساختار نام‌ها در زبان‌های اشاره در جهان صورت گرفته بیشتر حول موضوع نام اشخاص بوده است. زیرا بر اساس یک عنصر مشترک فرهنگی بین جامعه ناشنوا در بیشتر نقاط دنیا، افراد این جامعه دارای یک نام اشاره‌ای هستند. وجود نام‌های اشاره‌ای در میان افراد ناشنوا اهمیت کانال بصری-حرکتی برای ایجاد حس هویت شخصیتی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

گیتی و سیاوشی (۱۳۹۸ : ۴۷) درباره نام اشاره‌ای در زبان اشاره ایرانی چنین توضیح دادند که تعیین علامت اشاری برای مشخص کردن اشخاص در فرهنگ ناشنوا معمول است. در واقع هر فرد عضو فرهنگ ناشنوا- که ممکن است لزوماً ناشنوا نباشد- علاوه بر اسم رسمی خود، دارای یک اسم به زبان

^۱ موقعیت مولفان: مقاله حاضر حاصل مشاهدات و پژوهش‌های دو مولف، یکی شنوا و دیگری ناشنواست. از آنجا که موضوع نام در زبان اشاره به موضوع فرهنگ و تعلق فرهنگی ارتباط دارد لازم می‌دانیم این وضعیت را در مورد مولفان تشریح کنیم. اردوان گیتی، ناشنوا و از یک خانواده ناشنواست (والدین و خواهر ناشنوا) و زبان اشاره ایرانی زبان اول اوست. با اینکه تحصیلات او در آمریکا بوده و در حال حاضر در آمریکا ساکن است ارتباط تنگاتنگی با جامعه ناشنوای ایران دارد و در زمینه حقوق زبانی جامعه ناشنوا، فرهنگ ناشنوا و زبان اشاره ایرانی فعالیت آکادمیک و فعالیت کنش‌گرانه دارد. سارا سیاوشی شنواست و بیش از بیست سال در حوزه زبان‌شناسی زبان اشاره ایرانی و توصیف ساختار این زبان و همچنین مطالعات ناشنوا فعالیت کرده و با فرهنگ و جامعه و تاریخ ناشنوای ایران آشنایی دارد. هردو، علاوه بر مشاغل رسمی خود، در دانشگاه آزاد، واحد فرشتگان در تهران که دانشگاهی با محوریت افراد ناشنواست، درس مربوط به مترجمی زبان اشاره ایرانی، مطالعات ناشنوا و زبان‌شناسی اشاره تدریس می‌کنند.

اشاره هم هست. این علائم از روی مشخصات سر و صورت و بدن و یا شغل اشخاص تعیین می‌شود. مثلاً شخصی که خال بر گونه دارد با نشان دادن خال روی صورت با اشاره مشخص می‌شود. به این اسم اشاری، «لقب» یا «علامت اشاره» هم می‌گویند. ممکن است اسم اشاری شخص، مربوط به موی فر، چاقی و لاغری بدن، شکل دندان جلو، یا حتی نوع لباس فرد باشد. نام جبار باغچه‌بان با علامت مربوط به شکل سیبل او بالای دهان اشاره می‌شود.

همچنین پژوهش‌های مختلفی نام‌های افراد را در زبان‌های اشاره گوناگون جهان تحلیل کرده‌اند (برای مثال: هدبرگ^۱ ۱۹۹۴ در زبان اشاره سوئدی، پادن^۲ و هامفریس^۳ ۲۰۰۶ در زبان اشاره آمریکایی، پالس^۴ ۲۰۱۱ و ۲۰۱۱ در زبان اشاره استونیایی، باروس^۵ ۲۰۱۸ در زبان اشاره برزیلی، کروز-آلدرت^۶ و موسینو^۷ ۲۰۲۲ در زبان اشاره مکزیکی). سوپالا^۸ (۱۹۹۰:۱۰۰) نیز تأکید می‌کند که نام‌های اشاره‌ای تنها برچسب‌های ساده نامگذاری نیستند بلکه علامت‌های زبانی‌اند که در فرهنگی خاص تعریف می‌شوند و قواعد اجتماعی مربوط به عضویت در یک گروه اجتماعی بر این پدیده حاکم است. در مورد نام‌ها در زبان اشاره آمریکایی، سوپالا (۱۹۹۰:۱۰۵) همچنین به موضوع جنسیت اشاره می‌کند. به گفته او تفاوت فضایی بین نام‌های اشاره‌ای مردانه و زنانه بازتابی از نقش‌های سنتی جنسیتی و نشانگرهای بصری هویت در فرهنگ ناشنوا است. در این زبان گرایش وجود دارد که نقاطی از فضای اشاره از جمله بالای سر برای اشاره‌های مذکر و نقاطی دیگر از جمله نیمه پایینی سر و نزدیک گردن برای اشاره‌های مونث به کار می‌رود.

همچنین میندس^۹ (۱۹۹۰:۹) به نامگذاری در جامعه ناشنوا بر اساس محلی که شخص اهل آنجا است اشاره می‌کند. در این روش ویژگی‌های هویت ملی یا اهمیت جغرافیایی وارد نام اشاره‌ای می‌شوند. آنچه درباره نام‌ها در زبان‌های اشاره اهمیت دارد، نه فقط ویژگی‌های ساختاری و واج‌شناختی آنها بلکه بنا به گفته پالس (۲۰۱۱:۴۵) این امر است که نام‌های اشاره‌ای ابزار مهمی برای بیان هویت فردی درون جامعه ناشنوا هستند؛ این نام‌ها نمادی از تعلق اجتماعی و به رسمیت‌شناختن زبانی‌اند.

به گفته سوپالا (۱۹۹۲) نام‌های اشاره‌ای در زبان‌های اشاره نشانه‌های هویتی هستند و طی فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه ناشنوا به هر فرد اعطا می‌شوند. او که درباره نام‌ها در زبان اشاره آمریکایی پژوهش کرده است، دو نوع اصلی نام‌های اشاره‌ای را شناسایی کرد: نام‌های توصیفی و نام‌های قراردادی. نام‌های توصیفی به ویژگی‌های فیزیکی شخص ارجاع می‌دهند ولی در نام‌های قراردادی، شکل دست

¹ Hedberg, T.

² Padden, C.A.

³ Humphries, T.L.

⁴ Paales, L.

⁵ Barros, M.E.

⁶ Cruz-Aldrete, M.

⁷ Muciño, H.B.G.

⁸ Supalla, S.G.

⁹ Mindess, A.

مربوط به یک حرف الفبا است که به نام فرد در زبان گفتاری-نوشتاری ارجاع می‌دهد. در زبان اشاره آمریکایی و بسیاری زبان‌های اشاره دیگر، یک مجموعه شکل دست به نام الفبای دستی نام‌گذاری شده‌اند که هرکدام نمایان‌گر یکی از حروف الفبا هستند. اما باید توجه داشت که این الفبای دستی بخش کوچکی از ساختار زبان‌های اشاره را شکل می‌دهد و در واقع بیشتر اشارات مستقل از الفبای دستی هستند. بنابراین نام‌های قراردادی نام‌هایی هستند که تاثیر زبان گفتاری-نوشتاری محیط بر زبان اشاره را نمایان می‌کنند درحالی‌که نام‌های توصیفی بدون دخالت یا تاثیر زبان‌های گفتاری-نوشتاری و به صورت مستقل در زبان اشاره و جامعه و فرهنگ ناشنوا شکل می‌گیرند.

هدبرگ (۱۹۹۴) نام‌های اشاره‌ای در زبان اشاره سوئدی (SSL) را بررسی کرده و طبقه‌بندی این نام‌ها را بر اساس انگیزه معنایی انجام داده است. او نام‌های اشاره‌ای را در شش دسته طبقه‌بندی کرده است: نام‌هایی حاوی ویژگی‌های فیزیکی، رفتار، شباهت، تعلق به گروه‌های اجتماعی، نام‌های سرواژه‌دار، و نام‌هایی که حاوی عدد هستند.

در پژوهش مک‌کی^۱ و همکاران (۱۹۹۹) که درباره نام‌های اشاره‌ای در زبان اشاره نیوزلندی است، آمده است که نام اشخاص در این زبان، برهم‌کنش بین هویت فردی و رسم و آداب جمعی را نمایان می‌کند. کسب یک نام اشاره‌ای نشانه‌ای از ورود فرد به جامعه است و استفاده از آن پیوند تاریخ مشترک گروهی و کاربرد زبان «جایگزین» (در نسبت با جامعه غالب) را تقویت می‌کند. بنابراین، داشتن نام اشاره و استفاده از آن نه تنها از نظر زبانی راهی کارآمد برای ارجاع به افراد است، بلکه از نظر فرهنگی نیز برای تعاملات در جامعه اشاره‌گر اهمیت دارد، چرا که شبکه‌های اجتماعی در این جوامع بیشتر بر پایه ارتباط با دیگر ناشنویان شکل می‌گیرد تا خانواده اصلی (مگر آنکه خانواده نیز ناشنوا باشد). هویت فردی در جامعه ناشنوا به شدت از طریق کاربرد زبان شکل می‌گیرد و بازتاب می‌یابد، و همچنین براساس اینکه فرد برای چه کسانی شناخته شده است. این اطلاعات به نوعی در نام اشاره‌ای خلاصه می‌شود. به گفته پالس (۲۰۱۱: ۴۵) نام‌های اشاره‌ای افراد ابزار مهمی برای بیان هویت فرد در جامعه ناشنوا است که هم ارزش زبانی دارد و هم تعلق اجتماعی را نشان می‌دهد.

پالس (۲۰۱۰) درباره نام‌های اشاره‌ای در زبان اشاره استونیایی تقسیم‌بندی را به چهار گروه گسترش داد: نام‌های قراردادی، نام‌های توصیفی، نام‌های سرواژه-توصیفی و نام‌های وام‌گرفته شده. منظور از نام‌های سرواژه-توصیفی اشاره‌هایی است که بخشی از آن شکل دست حرف الفبای اول نام نوشتاری فرد باشد و بخشی دیگر از آن اشاره توصیفی باشد. در واقع ترکیبی از دو نوع طبقه‌بندی پیشین.

مک‌کی (۲۰۱۶) همچنین به افرادی خارج از جامعه ناشنوا مثلاً افراد معروف ملی و جهانی و چگونگی نام‌گذاری آنها در زبان اشاره می‌پردازد که گاهی این نام‌گذاری ممکن است سوبه‌های طنز و علل شهرت آن افراد را در خود داشته باشد.

¹ McKee, R.

پژوهشگران دیگر، این تقسیم‌بندی درباره نام‌های اشاره‌ای را در پژوهش‌های دیگر درباره ساخت نام‌ها در زبان‌های اشاره دیگر دنیا به کار گرفتند (مثلاً کوربتیس^۱ و هاف‌مایستر^۲ (۲۰۰۲) درباره نام‌های اشاره‌ای در زبان اشاره یونانی و باروس، ۲۰۱۸ درباره زبان اشاره برزیلی).

نکته ساختاری درباره هر کدام از انواع نظام‌های نام‌گذاری و نام‌دهی در زبان‌های اشاره این نکته است که این ساختارها با نظام واج‌شناختی و صرفی زبان هماهنگ می‌شوند. در زبان‌های اشاره چهار عنصر واج‌شناختی که در ساخت هر اشاره دخیل هستند، عبارتند از شکل پنجه دست، جایگاه اشاره در فضا، نوع حرکت دست و جهت‌گیری کف دست. همچنین در سطح ساخت‌واژه الگوهای مختلفی در ساخت اشارات در زبان‌های اشاره دیده می‌شود که گاهی این الگوها در زبان‌های اشاره مختلف مشترک است و گاهی ویژگی خاص یک زبان اشاره است.

۴- جای نام‌ها در زبان‌های اشاره

بررسی و پژوهش درباره الگوهای نام‌گذاری مرتبط با ویژگی‌های جغرافیایی، شهری و محیطی در زبان‌های اشاره، موضوعی نسبتاً جدید و در حال ظهور است. در زبان اشاره آمریکایی نام کشورها و مکان‌ها اغلب با اشاره دستی اولین حرف الفبا یا به صورت توصیفی تولید می‌شود که در آن یک ویژگی تاریخی یا فرهنگی مربوط به آن مکان اشاره می‌شود (سوپالا، ۱۹۹۰: ۱۰۴).

استفاده از حروف الفبای دستی به عنوان سرواژه در بسیاری زبان‌های اشاره از جمله در زبان اشاره آمریکایی، برای نام کشورها و مکان‌ها کاربرد دارد که اغلب با اشاره‌ای توصیفی ترکیب می‌شود که به ویژگی‌های فرهنگی یا تاریخی خاص آن منطقه اشاره دارد (سوپالا، ۱۹۹۰: ۱۰۴).

ریویلا^۳ (۲۰۰۹) جای نام‌ها در زبان اشاره اسرائیلی را مطالعه کرد و آنها را بر اساس ریشه‌شناسی به سه دسته اصلی تقسیم نمود: محیطی، تاریخی و نام‌هایی که نه تنها بر اساس نام مکان‌های دیگر، بلکه بر اساس نام افراد ساخته شده‌اند. در زبان اشاره برزیلی (Libras) فاریا-ناسیمنتو^۴ (۲۰۰۹) فرآیند وام‌گیری یا گرت‌برداری در این زبان را تحلیل کرد. در پژوهشی درباره زبان اشاره استونیایی (ESL)، پالس (۲۰۱۰) تأثیر زبان گفتاری استونیایی بر نام‌های اشاره‌ای مکان‌ها را بررسی کرد. او دریافت که بیشتر نام‌های اشاره‌ای در این زبان را می‌توان در دسته نام‌های توصیفی جای داد که تحت تأثیر زبان گفتاری اطراف نیستند. نوناکا^۵ (۲۰۱۵) جای نام‌ها در زبان اشاره بان‌خور (BKSL) یک زبان اشاره روستایی را که در تماس با زبان اشاره تایلندی و زبان گفتاری/نوشتاری تایلندی است، تحلیل کرد و نشان داد که الگوهای نظام جای نام‌ها در این زبان تحت تأثیر وام‌گیری از زبان اشاره تایلندی قرار گرفته و در حال تغییر است.

¹ Kourbetis, V.

² Hoffmeister, R.J.

³ Revilla, B.

⁴ Faria-Nascimento, S.P.

⁵ Nonaka, A.M.

سوسا^۱ (۲۰۱۹) الگوهای مولد یا دلایل ظهور جای‌نام‌ها در Libras را به دو دسته تقسیم کرد: نام‌های کاملاً مبتنی بر زبان بومی (با ماهیت دیداری-فضایی) و نام‌هایی که از طریق آمیختگی و وام‌گیری ساخته شده‌اند، یعنی یا گرده‌برداری واژگانی یا تلفیق حرف اول اسم نوشتاری.

هوفر^۲ (۲۰۲۱) نظام جای‌نام‌ها در زبان اشاره تبتی، یک زبان اشاره نوظهور در تبت، را مطالعه کرد و دریافت که تأثیرات معنایی، صرفی و واج‌شناختی از زبان کلاسیک تبتی و گویش لهاسایی گفتاری تبتی بسیار اندک است و تقریباً هیچ تأثیری از زبان اشاره چینی (CSL) یا نظام جای‌نام‌ها در گویش لهاسایی زبان اشاره چینی (LhCSL) وجود ندارد. در واقع جای‌نام‌ها در زبان اشاره تبتی مستقل از تأثیر زبان‌های گفتاری یا اشاره‌ای پیرامون شکل گرفته‌اند.

جورج^۳ (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی درباره جای‌نام‌ها در زبان اشاره ژاپنی (JSL)، آنها را به دو دسته تقسیم کرد: نام‌های تأثیرپذیرفته از نام‌های زبان گفتاری ژاپنی و نام‌های مستقل که داخل زبان اشاره ژاپنی و فرهنگ ناشناخته شکل گرفته‌اند.

سیاوشی^۴ و سیبانداه^۵ (۲۰۲۴) درباره نظام شکل‌گیری جای‌نام‌ها در زبان اشاره آفریقای جنوبی (SASL) پژوهش کردند و اشاره‌های مربوط به جای‌نام‌ها را بر اساس دلیل شکل‌گیری آنها به دو دسته اصلی تقسیم کردند: جای‌نام‌هایی که به طور طبیعی در درون زبان شکل گرفته‌اند، و جای‌نام‌هایی که تحت تأثیر زبان‌های گفتاری یا نوشتاری اطراف قرار گرفته‌اند. آنها سپس این تأثیرات از زبان‌های گفتاری-نوشتاری پیرامون را به دو گروه تأثیر ساختاری و تأثیر معناشناختی تقسیم‌بندی کردند. زبان‌های گفتاری پیرامون ممکن است بر جنبه‌های واج‌شناختی اشاره (یعنی شکل‌های دست) اثر بگذارند؛ برای مثال، استفاده از شکل‌های دست در الفبای دستی به صورت مخفف یا همراه با حرکات خاص دست، یکی از این نمونه‌ها است. تأثیر در لایه معناشناختی به این صورت است که ترجمه یک نام گفتاری-نوشتاری در زبان اشاره به صورت نام اشاره‌ای درآمده باشد که همان پدیده گرده‌برداری معنایی است.

درون‌مایه مشترک در مطالعات پیشین، بررسی تأثیر زبان‌های اطراف بر نظام ساخت جای‌نام‌ها در زبان‌های اشاره است. این موضوع به این لحاظ اهمیت دارد که زبان‌های اشاره عمدتاً به عنوان زبان‌های اقلیت دسته‌بندی می‌شوند. وضعیت اقلیتی آنها یا ناشی از ارتباط با یک زبان گفتاری مسلط در جامعه شنوایان یک منطقه است یا تحت تأثیر یک زبان اشاره جاافتاده‌تر با حمایت اجتماعی قوی‌تر قرار دارد. مورد دوم در زبان‌هایی مانند زبان اشاره بان‌خور و زبان اشاره تبتی مشهود است. بررسی الگوها و تغییرات جای‌نام‌ها در زبان‌های اقلیت، بینش ارزشمندی درباره تماس زبانی، تغییر زبان و دگرگونی‌های جامعه‌شناختی در جوامع ارائه می‌دهد.

¹ Sousa, A.M.

² Hofer, T.

³ George, J.

⁴ Siyavoshi, S.

⁵ Sibanda, P.

۵- فرهنگ و جامعه ناشنوای ایران

درباره آمار جمعیت ناشنوایان در ایران رقم دقیقی وجود ندارد. بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان بهداشت جهانی، به طور تقریبی ۰,۴ درصد از هر جامعه‌ای را افراد ناشنوا تشکیل می‌دهند. اما باید توجه داشت این آمارها به تشخیص‌های پزشکی مرتبط هستند. بنا به دیدگاه فرهنگی، جامعه ناشنوا را افراد ناشنوا و کم‌شنوایی تشکیل می‌دهند که روزانه از زبان اشاره برای مکالمات خود استفاده می‌کنند و به این جامعه حس تعلق فرهنگی دارند. در ایران آمار رسمی و درستی درباره اشاره‌گران به زبان اشاره ایرانی وجود ندارد. اما بر اساس تعداد کانون‌های ناشنوایان در استان‌های مختلف و اعضای این کانون‌ها آمار غیر رسمی تا بیش از یک میلیون نفر ناشنوا را اعلام می‌کنند که از نظر فرهنگی به زبان اشاره و فرهنگ ناشنوا تعلق دارند. جامعه ناشنوای ایران با وجود اقلیت بودن و پراکندگی، جامعه‌ای همبسته و پویا است. به این صورت که اعضای این جامعه برنامه‌ها، گردهمایی‌ها و فضاهای واقعی و مجازی مشترک برای ارتباطات روزمره دارند و مهم‌ترین شاخصه فرهنگی این جامعه زبان اشاره ایرانی است.

۶- زبان اشاره ایرانی

زبان اشاره ایرانی زبان طبیعی و رایج میان ناشنوایان ایران است. این زبان به طور خودجوش و در طول تاریخ - درست مانند هر زبان طبیعی دیگری- شکل گرفته و تغییرات تاریخی از سر گذرانده است و زبانی مستقل از زبان‌های گفتاری رایج در کشور ایران است. درباره تاریخ این زبان تا پیش از تاسیس مدرسه باغچه‌بان در دهه ۱۳۳۰ اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. ولی می‌دانیم که افراد ناشنوا همواره در ایران حضور داشته و اجتماعات خود را در بازارها و زورخانه‌ها و دیگر مکان‌ها داشته‌اند. بنابراین طبیعی است که زبان اشاره ایرانی نیز در طول قرن‌ها در ایران وجود داشته و مورد استفاده روزانه ناشنوایان بوده است. گونه‌های مختلف این زبان از نظر تفاوت جغرافیایی، سن و جنسیت قابل شناسایی است (گیتی و سیاوشی، ۱۳۹۹: ۹۹-۱۰۱، سلیمان‌بیگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳).

ساختار زبان اشاره ایرانی همچون دیگر زبان‌های اشاره در جهان بر پایه حرکت دست‌ها، استفاده از فضا، حالات صورت و علائم غیردستی است. اشاره‌های دستی با چهار عنصر تعیین‌کننده مشخص می‌شوند: شکل پنجه دست، محل تولید اشاره در فضای اشاره، نوع حرکت دست و جهت‌گیری کف دست. با تغییر هر کدام از این عناصر ساختاری، معنای اشاره یا تغییر می‌کند یا بی‌معنا می‌شود. اما معناسازی در زبان اشاره علاوه بر اشارات دستی به دو عنصر مهم دیگر نیز بستگی دارد و آن استفاده از فضای اشاره و حالات چهره در ساخت دستور زبان است. حالات صورت در ساخت جملات پرسشی، شرطی و امری و همچنین در مبتداسازی و ساخت بند موصولی اهمیت بسزایی دارند (سیاوشی و ویلکاکس، ۲۰۲۱؛ و سیاوشی، ۲۰۲۳).

¹ <https://www.ncoa.org/adviser/hearing-aids/hearing-loss-statistics/>

² Wilcox, S.

۷- نظام نام‌دهی و نام‌گذاری اشخاص در زبان اشاره ایرانی

در جامعه ناشنوای ایران از گذشته تا امروز رایج است که هر فرد عضو این جامعه علاوه بر نام رسمی که در شناسنامه وی قید شده و علاوه بر نام گفتاری که در خانواده به آن نام خوانده می‌شود، دارای یک نام اشاره‌ای است که در جامعه ناشنوا به آن نام نامیده می‌شود. به این نام، در زبان اشاره ایرانی، علامت اشاره می‌گویند (شکل ۲). افراد ناشنوا وقتی تازه با یکدیگر آشنا می‌شوند از هم می‌پرسند «علامت اشاره تو چیست؟» لازم به یادآوری است که بیشتر افراد ناشنوا با فرهنگ و جامعه خود خارج از خانواده در ارتباط هستند. به این لحاظ این جامعه زبانی با دیگر جوامع اقلیت زبانی متفاوت است. علاوه بر افراد ناشنوا که دارای نام‌های اشاره‌ای در این جامعه هستند، افراد شنوایی هم که به هر دلیلی در ارتباط مدام با جامعه ناشنوا باشند، ممکن است به مرور زمان دارای نام اشاره‌ای بشوند. اینکه از چه زمان، شخصی نام اشاره‌ای می‌گیرد دقیق مشخص نیست. ولی آنچه مشخص است این نام خیلی به انتخاب و زمان مورد نظر فرد بستگی ندارد.



شکل ۲. اشاره به معنای «علامت اشاره» (راست: علامت، چپ: اشاره)

نام اشاره‌ای که به آن «علامت اشاره» هر فرد گفته می‌شود، یک اشاره دستی است که ممکن است همراه با الگوی حرکت لب‌ها برای تلفظ نام گفتاری فرد تولید شود. گاهی افراد جامعه دلیل، پیشینه و زمان آغاز نام‌گذاری را می‌دانند و گاهی نیز به دلیل گذر زمان یا دلایل دیگر، ممکن است دلیل و پیشینه نام اشاره‌ای مشخص نباشد. نام اشاره‌ای اشخاص در جامعه ناشنوا با انگیزه‌ها و دلایل متنوعی ساخته شده است و رواج می‌یابد. این انگیزه‌ها و دلایل در اینجا فهرست‌وار توضیح داده می‌شوند:

۷-۱- مشخصه‌های ظاهری

بسیاری از نام‌ها در زبان اشاره ایرانی به یک ویژگی ظاهری فرد اشاره دارند. مثلاً اشاره چاق یا لاغر، شکل موی فر یا شکل سبیل یا شکل دندان جلو از نام‌های اشاره‌ای افراد هستند. نام اشاره‌ای کریم رییس نیا، کشتی‌گیر معروف در جامعه ناشنوا، به فرم بینی وی اشاره داشت که به دلیل کشتی‌گیر بودن وی حالت خاص پهن داشت (شکل ۳). همچنین نام بعضی افراد با اشاره به جراحی زیبایی بینی شکل گرفته است.



شکل ۳. نام اشاره‌ای کریم رئیسی نیا، کشتی‌گیر معروف ناشنوا در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی

از دیگر نام‌های اشاره‌ای که براساس مشخصات ظاهری افراد شکل گرفته‌اند نام‌هایی است که محل یک خال یا جای زخم و خراش روی صورت را نشان می‌دهند. مثلاً نام اشاره‌ای مهین بهادری، از معلمان و پیشکسوتان آموزش ناشنوا، بر اساس خالی که بالای بینی‌اش داشت ساخته شده بود (شکل ۴)



شکل ۴. راست: چهره مهین بهادری با یک خال بالای بینی و چپ: نام اشاره‌ای مهین (سلیمان بیگی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱)

۷-۲- لباس و تعلقات

نام اشاره‌ای بعضی افراد بر اساس شکل لباس، داشتن عینک یا سمعک یا سایر متعلقات قابل دیدن در ظاهر شخص، ساخته شده است. مثلاً نام اشاره‌ای بهروز مبشری، رئیس کانون ناشنویان تهران به شکل حرکت دست به صورت مورب روی تنه تولید می‌شود. این اشاره زمانی ساخته شد که این شخص در دوران جوانی پرچمدار رژه تیم ورزشی ناشنویان بود و نواری به شکل مورب روی لباس وی نصب شده بود. همانطور که می‌بینیم نام‌ها گاهی روایت‌های مهم زندگی افراد را نیز در خود دارند.

همچنین اشاره عینک یا سمعک نوع دیگری از الگوی نام‌گذاری افراد است. مثلاً همزمان با ادا کردن حالت دهانی تلفظ «علی»، اشاره سمعک با دست تولید می‌شود و این ترکیب (حالت دهان و اشاره دستی) نام اشاره‌ای فرد مورد نظر را شکل می‌دهد. به همین شکل برای اشاره عینک نیز صادق است. نوع دیگر اشاره مخصوص «کاشت» است که همراه با اسم شخص تولید می‌شود و تبدیل به نام فرد

می‌شود که برای افرادی که عمل کاشت حلزون انجام داده‌اند بسیار رایج است. اشاره کاشت با برخورد سه انگشت شست، سبابه و انگشت وسط به پس سر، پشت گوش تولید می‌شود که اشاره به دستگاهی دارد که افراد پس از انجام کاشت حلزون به روی سر نصب می‌کنند.

۷-۳- شغل

گاهی نام اشاره‌ای شخص به شغل او مرتبط است. حتی اگر آن شخص، دیگر در آن شغل مشغول نباشد، نام اشاره‌ای وی باقی می‌ماند. مثلاً نام یک شخص ناشنوا اشاره **سلمانی** یا قیچی روی مو است و به این ترتیب مشخص می‌شود شغل او آرایشگری است. یا اشاره **معامله** نام شخصی است که فروشنده اتومبیل است. مثال دیگر فردی است که نام اشاره‌ای او **کفاش** است که به صورت واکس زدن اشاره می‌شود و به شغل وی اشاره دارد.

۷-۴- رفتار یا شخصیت

بعضی دیگر از نام‌های اشخاص به رفتار یا ویژگی‌های شخصیتی فرد مرتبط است. مثلاً اشاره **جدی** به همراه الگوی لبی نام فرد، یا اشاره **لیخند** از نام‌های اشخاص در زبان اشاره ایرانی هستند که اعضای این جامعه را با آن نام‌گذاری کرده‌اند. مثال دیگر اشاره **مهربان** است که همراه با الگوی دهانی نام مریم تبدیل به اسم اشاره شخصی به نام مریم شده است. این نام علاوه بر این که نام اشاره‌ای فرد است، برای هر ناشنوایی که او را شناسد و بار اول با این نام مواجه شده باشد شخصیت مهربان فرد را و معروف بودن وی به این ویژگی را در جامعه ناشنوا مشخص می‌کند (شکل ۵).



شکل ۵. اشاره صفت مهربان که به عنوان نام اشاره‌ای شخص استفاده می‌شود و نشان‌دهنده‌ی شخصیت و رفتار است

۷-۵- حروف الفبای اسم نوشتاری

برخلاف بسیاری از زبان‌های اشاره بررسی شده در دنیا که استفاده از حرف اول یک نام به صورت الفبای دستی در ترکیب نام‌های اشاره‌ای بسیار رایج است، در زبان اشاره ایرانی استفاده از حروف الفبای دستی بسیار محدود در ساخت نام‌ها به کار می‌رود. این الگوی نام‌گذاری بیشتر برای نام‌های رایج همچون فاطمه و مریم و علی دیده می‌شود. اشاره فاطمه با شکل دستی حرف طاء، نام مریم با حرف میم و نام علی با حرکت اشاره عین تولید می‌شود. ولی به طور کلی تعداد نام‌های اشاره‌ای که در آنها حرف الفبا به کار رفته باشد بسیار اندک است.

۶-۷- نام‌های اشاره‌ای فراگیر

بعضی اشاره‌ها در جایگاه نام اشاره‌ای به صورت یک الگوی تکرار شونده برای نامیدن افراد زیادی کاربرد پیدا کرده‌اند. یکی از این اشاره‌ها اشاره دختر است. بسیار رایج است که اسم گفتاری-نوشتاری شخص را با الگوی لبی بیان کرده و همزمان اشاره دختر را تولید کنند. به این ترتیب یک نام اشاره‌ای برای شخص تولید شده و رواج می‌یابد. این روش نام‌گذاری یک روش محافظه‌کارانه است که ویژگی ظاهری فرد را هدف نام‌گذاری قرار نمی‌دهد و یا در مورد شغل و ویژگی‌های شخصیتی او نیز چیزی ارائه نمی‌دهد. به همین قیاس اشاره نیمه‌شنوا نیز در ترکیب با الگوی دهانی نام شخص به کار می‌رود و نام اشاره‌ای شخص را می‌سازد. بسیاری از افراد نیمه‌شنوا با این نام اشاره‌ای نامیده می‌شوند. اشاره‌های عینک و سمک را نیز می‌توان از جمله بخش‌های ترکیبی این الگوی نام‌گذاری دانست که برای افراد زیادی که عینک یا سمک دارند این نوع نام‌گذاری کاربرد دارد.

۸- ملاحظات اجتماعی و تغییر نام

گاهی ممکن است شخصی از نام اشاره‌ای خود راضی نباشد و یا آن را توهین‌آمیز بدانند. در این صورت اعتراض می‌کند و انتظار دارد جامعه ناشنوا نام دیگری برای او بگذارند. معمولاً نام‌هایی که به چاق بودن یا حالتی از دندان و چشم و ابرو یا تاریخچه‌ای نامطلوب در زندگی فرد، اشاره داشته باشد ممکن است جزء این موارد باشند. یا ممکن است کسی نامی را که در کودکی برای او ساخته شده نخواهد و انتظار داشته باشد جامعه ناشنوا نامی متناسب با وضعیت فعلی او برایش بسازند.

نکته دیگر درباره نام‌های اشاره‌ای آن است که گاهی ممکن است کسی در دو اجتماع مختلف از ناشنواها دو نام مختلف داشته باشد. مثلاً در مدرسه محل تحصیل نامی پیدا کرده و بعدها در موقعیت دیگری در کانون ناشنوایان یا به دلیل مهاجرت به شهر دیگر، در جمع جدید ناشنوایان نام جدیدی دریافت کرده باشد. همچنین ناشنوایانی که به کشور خارجی مهاجرت کنند در جامعه ناشنوای کشور میزبان و بر اساس فرهنگ ناشنوای جامعه میزبان ممکن است نام تازه‌ای پیدا کنند یا ممکن است به نام قبلی خود را معرفی کرده و نام قبلی را حفظ کنند. بسیار رایج است که با ورود یک ناشنوای تازه‌وارد به جمع ناشنوایان در یک شهر یا کشور تازه، از او می‌پرسند که نام اشاره‌ای او چیست. اگر آن اشاره معنای بدی در فرهنگ جدید نداشته باشد، به احترام او به همان نام اشاره‌ای خوانده می‌شود ولی همچنین محتمل است که در آینده و با معاشرت بیشتر با ناشنوایان شهر یا کشور میزبان، آن فرد دارای نامی جدید شود.

۹- جای نام‌ها در زبان اشاره ایرانی

یکی از زیرشاخه‌های نام‌شناسی، مطالعات جای نام‌ها یا توپونومی (Toponymy) است که به بررسی نام مکان‌ها در زبان می‌پردازد. نام‌های مکان، یا جای نام‌ها در تمام زبان‌ها به عنوان نشانه‌های جغرافیایی عمل می‌کنند. این نام‌ها همچنین میراث‌های فرهنگی و زبانی شناخته می‌شوند که با نحوه ادراک و مفهوم‌سازی انسان از فضاها مرتبط‌اند. دلاپورته (۱۶۵:۲۰۰۲ و ۱۶۰) می‌گوید شکل‌گیری نام‌های

اشاره‌ای برای کشورهای و مناطق مختلف صرفاً یک نام قراردادی نیست و ارتباط عمیق تاریخی و فرهنگی درباره آن کشور یا منطقه را نشان می‌دهد. یک نام اشاره‌ای تنها ویژگی‌های واج‌شناختی نیست بلکه حافظه جمعی و روایت‌های تاریخی را نشان می‌دهد.

گیتی و سیاوشی (۴۸:۱۳۹۹) توضیح می‌دهند که در زبان اشاره ایرانی جای‌نام‌های اشاره‌ای برای نامیدن شهر و خیابان و محله مرسوم است. این علائم مشخصه هرکدام دلیل تاریخی دارند که گاهی افراد این دلیل را می‌دانند و گاهی نیز ممکن است یک فرد ناشنوا دلیل تاریخی آن اشاره خاص را نداند. مثلاً نام میدان آریاشهر در تهران با مشت و ساعد عمودی، نشان‌دهنده برج ساعت واقع در میدان است. علامت خیابان ولیعصر تهران در دورانی که این خیابان پهلوی نامیده می‌شد ابداع شد. نام اشاره‌ای خیابان ولیعصر، اشاره‌ای شبیه حرکت تیغ اصلاح روی گونه است. دلیل این نام را به وجود یک آرایشگاه در این خیابان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی نسبت می‌دهند که افراد ناشنوا آنجا را به عنوان آدرس یا پاتوق به یکدیگر اعلام می‌کردند و در آنجا جمع می‌شدند.

نام اشاره‌ای کشور ایران در شکل ۶ نشان داده شده است. شکل دست که به صورت یک مشت و انگشت شست کشیده است، با شکل دست در اشاره *نفت* شباهت دارد. در اشاره *نفت* همین شکل دست در تماس با بینی تولید می‌شود. گفته می‌شود این نام از زمان کشف نفت در این سرزمین ساخته شده است. اما مستندات دقیق‌تری درباره این ریشه‌شناسی در دست نیست.

نکته جالب این است که اشاره شهر تهران نیز همان اشاره ایران است. اما در دهه‌های اخیر یک حرکت پیچشی به میچ دست برای اشاره *ایران* اضافه شده است (شکل ۶ ایران-۲). البته عده زیادی همچنان این اشاره را (ایران-۱) هم برای ایران هم تهران به کار می‌برند و تنها حالت دهانی تلفظ واژه تمایزدهنده است.



ایران-۲

ایران-۱

شکل ۶. دو اشاره برای ایران وجود دارد. ایران-۱ برای شهر تهران نیز به کار می‌رود.

(سلیمان‌بیگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۱)

همانطور که درباره نام‌های اشخاص در زبان اشاره ایرانی گفته شد، در مورد جای‌نام‌ها در زبان اشاره ایرانی نیز تاثیر حروف الفبا یا تاثیر زبان‌های گفتاری و نوشتاری بسیار کم است و بیشتر جای‌نام‌ها را می‌توان بر اساس رویکرد سوپالا (۱۹۹۲) نام‌های توصیفی دانست. یعنی نام‌هایی که مستقل از زبان

گفتاری و درون جامعه و فرهنگ ناشنوا و زبان اشاره شکل گرفته است. در مورد دلایل شکل‌گیری هر کدام از جای‌نام‌های اشاره‌ای، می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد. بعضی جای‌نام‌های اشاره‌ای به خوراکی معروف آن منطقه مربوط هستند. مثلاً نام اشاره‌ای شهر اصفهان به شیوه بریدن گز ارجاع دارد. جالب است که مشابه همین اشاره برای شهر قم و بریدن سوهان نیز به کار می‌رود اما برای اصفهان دو ضربه به کف دست و برای قم یک ضربه به کف دست، حرکت اشاره را می‌سازد. همچنین حالت دهانی کلمه اصفهان و قم نیز تمایز دهنده است.

در مورد شهر قم به دلیل کوتاه بودن نام نوشتاری-گفتاری این شهر، به صورت اشاره با حروف الفبای قاف و میم هم نام این شهر بیان می‌شود. بنابراین جای‌نام شهر قم دو گونه دارد. یکی توصیفی و دیگری تحت تاثیر شکل نام نوشتاری شهر (شکل ۷).



شکل ۷. برای شهر قم دو جای‌نام وجود دارد: سمت راست بر اساس نام نوشتاری و از ترکیب حروف قاف و میم. سمت چپ: بر اساس شیوه برش سوهان (سلیمان‌بیگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۰)

بعضی جای‌نام‌ها به محصول کشاورزی مهم یک شهر ارجاع دارند. مثلاً اشاره شهر شیراز، لیمو و اشاره شهر کرمان، پسته است. گروه دیگر جای‌نام‌ها به یک بنای تاریخی یا یک روایت تاریخی ارجاع دارند. اشاره شهر همدان به بنای مخروطی شکل آرامگاه بوعلی و اشاره شهر یزد به باز شدن در مسجد جامع یزد ارجاع دارد. برای نام شهر مشهد دو اشاره وجود دارد که هر دو به مناسک مذهبی مرتبط هستند. یکی دست بر سینه و دیگری دست بر دهان و پیشانی به نشانه مناسک زیارت حرم امام رضا (شکل ۸).



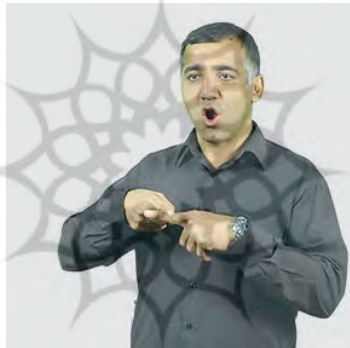
مشهد-۲



مشهد-۱

شکل ۸. نام‌های اشاره‌ای شهر مشهد

بعضی جای‌نام‌ها نیز به صنعت یک شهر ارجاع دارند. مثلاً نام اشاره‌ای شهر زنجان اشاره چاقو است (شکل ۹).



شکل ۹. نام اشاره‌ای شهر زنجان

نام اشاره‌ای شهر رشت ماهی و برای شهر بوشهر میگو است که می‌توان این جای‌نام‌ها را هم در دسته‌بندی محصولات و هم خوراکی طبقه‌بندی کرد. از تاثیر خط نوشتاری فارسی بر نام اشاره‌ای می‌توانیم یکی از اشاره‌های رایج شهر اهواز را ببینیم که با تولید اشاره دستی حرف ۵ بیان می‌شود و در شکل ۱۰ (اهواز-۲) نشان داده شده است. البته شهر اهواز یک نام اشاره‌ای دیگر نیز دارد که از نوع جای‌نام‌های توصیفی است و به گرما و عرق پیشانی ارجاع دارد (شکل ۱۰- اهواز ۱)



اهواز-۲



اهواز-۱

شکل ۱۰. نام اشاره‌ای شهر اهواز، اولی توصیفی و با اشاره به عرق و دومی بر اساس نام نوشتاری و با الفبای دستی مربوط به حرف ه

یکی دیگر از تاثیرهای جالب خط نوشتاری در نام‌های اشاره‌ای را در اشاره شهر لار (شکل ۱۱) می‌بینیم که نوع خاص و منحصر به فردی است. زیرا از حروف الفبای دستی در آن استفاده نشده است بلکه فرم نوشتاری کلی کلمه لار با سه انگشت تولید می‌شود. به این صورت که یک دست دو انگشت سیابه و وسط به شکل «لا» و در دست دیگر انگشت اشاره کنار آن به صورت حرف «ر» قرار می‌گیرد.



شکل ۱۱. نام اشاره‌ای شهر لار

یک نمونه جالب دیگر از تاثیر زبان گفتاری-نوشتاری بر یک نام اشاره‌ای را در لایه معناشناختی و ساختواری در اشاره شهر کرمانشاه می‌بینیم. اشاره قدیم‌تر این شهر که هنوز هم رایج است با حرکت دورانی دست‌ها که به یک آداب و مناسک مردم این شهر اشاره می‌کند ساخته می‌شود (شکل ۱۲، کرمانشاه-۱). اما تحت تاثیر نام نوشتاری آن که واجد واژه «شاه» است، بعدها در نظام استانداردسازی زبان اشاره یک اشاره جدید ساخته شد که ترکیبی از اشاره طاق بستان و اشاره شاه بود. اما این اشاره جدید در میان جامعه ناشنوا رایج نشد. فقط قسمتی به اشاره قبلی اضافه شد که اشاره شاه است.



شکل ۱۲. اشاره کرمانشاه-۱ (سمت راست) به یک مناسک سنتی ارجاع دارد ولی در اشاره کرمانشاه-۲ که جدیدتر است اشاره شاه اضافه شده است.

۱۰- جمع‌بندی

در این مقاله با نگاهی به پیشینه تحقیقات در حوزه نام‌شناسی در زبان‌های اشاره دنیا، به نظام نام‌گذاری در زبان اشاره ایرانی و در فرهنگ ناشنوای ایران پرداختیم و نمونه‌هایی از نام‌های اشاره‌ای برای نامیدن اشخاص و مکان‌های جغرافیایی را شرح دادیم. نام اشخاص در زبان اشاره ایرانی بر اساس این ویژگی‌ها شکل می‌گیرد: ویژگی شخصیتی-رفتاری فرد، ظاهر فرد، شغل فرد، اشاره‌ای به لباس یا متعلقاتی مانند عینک و سمعک، و یا با تلفیقی از حرف الفبای دستی ساخته می‌شود. طبق مشاهدات، استفاده از حروف الفبای دستی برای نام‌گذاری در زبان اشاره ایرانی بسیار محدود است و نام‌ها اغلب مستقل از زبان نوشتاری و گفتاری محیط ساخته می‌شوند. به این لحاظ با بسیاری از زبان‌های اشاره دیگر و رواج استفاده از حروف الفبای دستی در آنها، این تفاوت حائز اهمیت است.

در مورد جای‌نام‌ها و شیوه‌های نام‌گذاری مکان‌ها و کشورها نیز، در این مقاله رایج‌ترین شیوه‌ها را تشریح کردیم. در مورد جای‌نام‌ها نیز استفاده از حروف الفبای دستی رواج ندارد و بیشتر نام‌ها به یک روایت، یک ویژگی فرهنگی یا تاریخی آن کشور یا شهر اشاره دارند. این مشاهدات مستقل بودن فرهنگ و جامعه ناشنوا را از جامعه شنوا و زبان‌های گفتاری و نوشتاری پیرامون خود نشان می‌دهد. جای‌نام‌های رایج در زبان اشاره ایرانی را نیز می‌توان طبق طبقه‌بندی‌های دیده شده در پژوهش‌های پیشین درباره زبان‌های اشاره دیگر به دو گروه تقسیم کرد: جای‌نام‌های مستقل از زبان‌های گفتاری-نوشتاری و جای‌نام‌ها بر اساس نام در زبان‌های گفتاری-نوشتاری. مشاهده‌ها نشان می‌دهد نام‌های مستقل که در زبان اشاره ایرانی و در فرهنگ و جامعه ناشنوا ایجاد شده‌اند بسیار بیشتر از گروه دیگر هستند. در پایان لازم به یادآوری است که این مقاله تنها نگاهی موجز و بدون جزئیات به موضوع نام‌های اشاره‌ای بود. با توجه به اینکه بسیاری از جای‌نام‌ها دارای تنوع ساختاری هستند، پژوهش‌های بیشتری نیاز است تا درباره تنوع و علل نام‌های مختلف و پراکندگی جغرافیایی آنها دقیق‌تر بدانیم. همچنین پژوهش‌های نام‌شناسی در زبان اشاره ایرانی را می‌توان در حوزه‌های نام‌گذاری و نام‌های اقوام و مذهب‌ها، نام مارک‌های تجاری و نام سازمان‌ها نیز گسترش داد و این نام‌ها را بر اساس شیوه شکل‌گیری آنها بررسی کرد.

منابع

- گیتی، اردوان، سیاوشی، سارا (۱۳۹۸). کتاب ناشنوا: مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی زبان اشاره ایرانی و فرهنگ ناشنوا. تهران: نشر نویسه پارس.
- سلیمان‌بیگی، فرزانه؛ گیتی، اردوان و سارا سیاوشی (۱۴۰۱). اشارانی بیاموزیم. تهران: گیوا.
- سلیمان‌بیگی، فرزانه؛ گیتی، اردوان؛ سیاوشی، سارا و مینو عالمی (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر زبان اشاره ایرانی (اشارانی). تهران: موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- Barros, M. E. (2018). Taxonomia Antroponímica Nas Línguas de Sinais—A Motivação dos Sinais Nomes. *RE-UNIR—Revista do Centro de Estudos da Linguagem da Universidade Federal de Rondônia de Administração, Contabilidade e Sustentabilidade*, 5(2), 40–62.
- Cruz-Aldrete, M. and H. B. G. Muciño (2022). What's Your Sign? Personal Name Signs in Mexican Sign Language. *Onomástica desde América Latina*, 3(6), 235–255.
- Faria-Nascimento, S. P. (2009). Representações Lexicais da Língua de Sinais Brasileira: Uma Proposta Lexicográfica (PhD thesis). Universidade de Brasília (UnB), Brazil.
- George, J. (2022). The Lexical Shift in Japanese Sign Language (JSL) Toponyms: Accounting for the Preference of Complex over Simple Toponym Outputs. *Sign Language Studies*, 23(1), 5–40.
- Guity, A. and S. Siyavoshi (2020). *The Deaf Book: An Introduction to Iranian Sign Language and Deaf Culture in Iran*. Tehran: Neveeseh Parsi Publications.
- Hedberg, T. (1994). Name Signs in Swedish Sign Language: Their Formation and Use. In C. J. Erting, R. C. Johnson, D. L. Smith, & B. D. Snider (Eds.), *The Deaf Way: Perspectives from the International Conference on Deaf Culture* (pp. 416–424). Washington, DC: Gallaudet University Press.
- Hofer, T. (2021). What's in a Place Name in Tibetan Sign Language? Iconicity and the Use of Signed Toponyms Among Deaf Signers in Lhasa. *Senri Ethnological Studies*, 107, 133–175.
- Kourbetis, V. and R. J. Hoffmeister (2002). Name Signs in Greek Sign Language. *American Annals of the Deaf*, 147(3), 35–43.
- McKee, R. (2016). Sign Language: Name Signs. In *The SAGE Deaf Studies Encyclopedia* (Vol. 3, pp. 805–808). SAGE Publications. <https://doi.org/10.4135/9781483346489.n256>

- McKee, R.; McKee, D.; Schembri, A. and R. Adam (1999). Name Signs and Identity in New Zealand Sign Language (NZSL) and Australian Sign Language (Auslan). Paper Presented at the XIII World Congress of the World Federation of the Deaf.
- Meadow, K. P. (1976). Deaf Culture and the Formation of a Deaf Identity. *Sign Language Studies*, 10, 39-47.
- Mindess, A. (1990). What Name Signs Can Tell Us about Deaf Culture. *Sign Language Studies*, 66(1), 1-23.
- Mindess, A. (2006). *Reading between the Signs: Intercultural Communication for Sign Language Interpreters* (2nd ed.). Intercultural Press.
- Nonaka, A. M. (2015). Toponyms in Ban Khor Sign Language. *Learning Communities: International Journal of Learning in Social Contexts [Special Issue: Indigenous Sign Language]*, 16, 66-91. <https://doi.org/10.18793/LCJ2015.16.06>
- Paales, L. (2010a). On the System of Person-Denoting Signs in Estonian Sign Language: Estonian Personal Name Signs. *Sign Language Studies*, 10(3), 317-335.
- Paales, L. (2010b). On the System of Place Name Signs in Estonian Sign Language. *Journal of Ethnology and Folkloristics*, 4(2), 31-54.
- Paales, L. (2011). Name Signs for Hearing People. *Folklore: Electronic Journal of Folklore*, 47, 43-76. <https://doi.org/10.7592/FEJF2011.47.paales>
- Padden, C. A. and T.L. Humphries (2006). *Inside Deaf Culture*. Harvard University Press.
- Redmonds, G. (2007). *Names and History: People, Places and Things*. Continuum.
- Revilla, B. (2009). Place Names in Israeli Sign Language (Master's thesis). University of North Dakota.
- Siyavoshi, S. (2023). The Semantics of Relative Clause Constructions in Iranian Sign Language. *Signed Language and Gesture Research in Cognitive Linguistics*, 67, 417.
- Siyavoshi, S. and P. Sibanda (2024). Urban Toponymy in South African Sign Language (SASL): Patterns and Variations. *Sign Language Studies*, 24(4), 942-960.
- Siyavoshi, S. and S. Wilcox (2021). Exerting Control: The Grammatical Meaning of Facial Displays in Signed Languages. *Cognitive Linguistics*, 32(4), 609-639.

- Sousa, A. M. (2019). *Toponímia em Libras* (Postdoctoral Report). Universidade Federal de Santa Catarina (UFSC), Florianópolis, Brazil.
- Supalla, S. J. (1990). The Arbitrary NameS system in American Sign Language. *Sign Language Studies*, 67(1), 99–126.
- Supalla, S. J. (1992). *The Book of Name Signs: Naming in American Sign Language*. San Diego: DawnSignPress.
- Trask, R. L. (2007). *Language and Linguistics: The Key Concepts* (2nd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203961131>

سعدی

